

تحلیل جامعه‌شناختی سیاست‌های زیست محیطی در ایران و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن از برنامه اول تا ششم توسعه

احسان نجفی

گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

نبی‌الله ایدر^۱

گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

عبدالرضا هاشمی

گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷

چکیده

هدف این پژوهش طراحی و اعتباریابی مدلی برای تحلیل جامعه‌شناختی سیاست‌ها و برنامه‌های زیست محیطی در ایران و پیامدهای سیاسی و اجتماعی از برنامه اول تا ششم توسعه در ایران است که به روش گراندد تئوری انجام شده است. در بخش کیفی به کمک روش داده بنیاد یا گراندد تئوری محقق اقدام به انجام مصاحبه‌هایی عمیق با ۱۶ نفر از نخبگان، مدیران و متخصصان مرتبط با محیط زیست کشور کرده است. نتایج تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل سه گانه کدگذاری نشان داد که از تعداد ۲۶۵ مفاهیم متناظر تعداد ۳۰ خرده مقوله استخراج شده که دارای ارتباط مفهومی با همدیگر هستند و در مرحله کدگذاری محوری از همه خرده مقولات تعداد ۱۲ مقوله محوری بیرون کشیده شد که با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای به شرح برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی به علت تصمیمات هماهنگ بالادستی و تفاهم دولتی و خصوصی در بستر جدی گرفتن دانش و ارزش زیست محیطی با استفاده از راهبردهای فکری-قانونی و سبز به پیامدهای امنیت سیاسی و ملی و توسعه فرهنگ زیست محیطی همراه با سلامت اجتماعی منجر می‌شوند ظاهر شد که می‌تواند تمامی مقولات دیگر را تحت پوشش قرار بدهد.

کلیدواژه‌گان: محیط زیست، برنامه‌های زیست محیطی، سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی، سیاست‌های کلی محیط زیست.

مقدمه

امروزه با گسترش صنعت و تکنولوژی و پیشرفت جوامع، انسان همواره تهدیدی جدی برای زمین بوده است و پدیده‌هایی مانند گرم شدن اقلیم زمین، از بین رفتن تنوع زیستی، کمبود منابع طبیعی و انواع آلودگی‌ها، موضوعی بحرانی در اکثر جوامع شده است و مشکلات زیست محیطی را باید مشکلاتی جهانی توصیف کرد (جعفری‌نیا، ۱۳۹۱: ۱). همچنین از سویی دیگر شدت تغییرات اقلیمی به حدی بوده است که ناسا^۱ در اواخر دهه ۱۹۸۰ پیش‌بینی کرده بود که در اواخر دهه ۱۹۹۰ مردم به آسانی تغییرات آب و هوایی را در خیابان‌ها درک خواهند کرد (کین، ۱۳۸۵: ۱۷). بنابراین تهدید زندگی عادی مردم اولین پیامد نامطلوب بی‌توجهی‌های زیست محیطی است. این مسایل و سایر تهدیدهای بحث شده در محافل محلی و جهانی همگی اهمیت تدوین و اجرای سیاست‌های زیست محیطی را برای همگان روشن کرده‌اند. بنابراین در این راستا موضوع محیط‌زیست به‌عنوان یکی از عناصر مهم در ترکیب اقتصادی و فرهنگی کشور محسوب می‌شود. به‌طوری‌که در بخشی از ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، به عنوان نیاز اساسی کشور مورد تاکید قرار گرفته است (معطوفی و دنکوب، ۱۳۹۶: ۱۲۵). به طوری که در بخشی از ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ به برخورداری آحاد مختلف جامعه از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد خانواده به دور از فقر و فساد بهره‌مند از محیط زیست مطلوب تاکید شده است. از طرف دیگر، دولت‌ها در همه جا طیف گسترده‌ای از سیاست‌های حمایتی زیست محیطی و مقررات را معرفی کرده‌اند و بیشتر کشورها رسماً متعهد به اصول توسعه پایدار هستند، اما اولویت هنوز هم تقریباً همیشه به رشد اقتصادی داده می‌شود و توجه به رشد اقتصادی بیش از حفاظت از محیط زیست است. بنابراین تلاش‌ها برای دستیابی به همکاری بین‌المللی برای رسیدگی به مشکلات جهانی محیط زیست از قبیل تغییرات آب‌وهوایی، به یکی از نگرانی‌های اصلی دیپلماسی بین‌المللی تبدیل شده است. در حالی که شکی نیست که مسائل زیست محیطی، تأثیر بزرگی بر روی سیاست‌های اخیر داشته‌اند، سیگنالی که دولت‌ها براساس آن به مشکلات زیست محیطی پایه می‌دهند، این فکر بدبینانه را افزایش داده که شاید با وجود این سیاست‌های سبز چیزی واقعاً تغییر نکرده است (فروتن‌کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۱۶۴-۱۶۳). در همین ارتباط این پژوهش در نظر دارد تا با استفاده از نظرات خبرگان و سیاست‌گذاران زیست محیطی کشور الگوی پیامدی پارادایمی اجرای سیاست‌های زیست محیطی برنامه اول تا ششم توسعه بعد انقلاب اسلامی تدوین کند. بنابراین هدف آرمانی این پژوهش تسهیل و تسریع در فرایند رسیدن به چشم‌انداز سیاست‌های کلی محیط زیست بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری در راستای ایجاد نظام یکپارچه ملی محیط زیست است و بر همین اساس محقق در نظر دارد به روش آمیخته^۲ با بهره‌گیری از آرا و نظرات خبرگان و متخصصان زیست محیطی و سیاست‌گذاران زیست محیطی الگویی برای اجرای بهتر و موفق‌تر خط‌مش‌های زیست محیطی انجام دهد. این پژوهش با هدف طراحی مدلی بومی برای برنامه‌ها و سیاست‌های زیست محیطی برنامه اول تا ششم توسعه انقلاب اسلامی انجام شده با رویکرد کیفی انجام می‌شود و با هدف اکتشاف و تدوین یک الگوی بومی برای برنامه‌ها و سیاست‌های زیست محیطی انجام شده، به وسیله استراتژی گراند تئوری برای انجام آن

^۱ National Aeronautics and Space Administration

^۲ Mix method

مناسب به نظر می‌رسد و قصد محقق می‌تواند کشف موضوع تحقیق با نظر مشارکت‌کنندگان (خبرگان، نخبگان سیاستگذاری و متخصصان امر محیط زیست) در تحقیق باشد. گراند تئوری به خاطر ارایه رویکرد نظری جدید در این حوزه انتخاب شده و به همین خاطر اتکا به یک رویکرد بومی، ضمن متفاوت بودن این پژوهش با کارهای مشابه انجام شده، می‌تواند منجر به تدوین الگویی شود که بر خاسته از نظرات خبرگان، نخبگان سیاستگذاری و متخصصان امر محیط زیست در کشور است. بنابراین این نظریه توان تبیین بالایی در حوزه سیاست‌گذاری زیست محیطی دارد و حتی می‌تواند باعث توسعه نظریات موجود هم باشد. پس محقق در ابتدا با انجام مصاحبه‌های عمیق در میان ۱۶ نفر از خبرگان، نخبگان سیاستگذاری و متخصصان امر محیط زیست به تدوین الگوی بومی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری زیست محیطی در کشور پرداخته است. جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان، نخبگان سیاستگذاری و متخصصان امر محیط زیست هستند که به صورت هدفمند به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش کیفی با هدف دستیابی به بیشترین اطلاعات در مورد پدیده مورد بررسی انجام می‌شود و از این رو خبرگان، نخبگان سیاستگذاری و متخصصان امر محیط زیست بیشترین اطلاعات در این حوزه هستند. روش نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری نظری است و در نمونه‌گیری نظری انتخاب نمونه‌ها با توجه به تحلیل داده‌های گردآوری شده پیشین شناسایی می‌شود. باگذشت زمان به عمق و تمرکز نمونه‌گیری افزوده می‌شود، زیرا در مراحل اولیه، بیشتر کشف مفاهیم و مقولات تازه و در مراحل بعد، عمق و غنا بخشیدن به این مقولات، مدنظر قرار می‌گیرند. نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که محقق به اشباع نظری رسیده باشد و اشباع نظری، زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی، کمکی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند. بنابراین نمونه‌گیری از خبرگان، نخبگان سیاستگذاری و متخصصان امر محیط زیست تا جایی ادامه می‌یابد که محقق به این نتیجه برسد همه آنها نظر واحدی در ارتباط با مدل برنامه‌ها و سیاست‌گذاری زیست محیطی دارند. در کل جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های عمیق انجام شده و فرآیند تفسیر و تحلیل مصاحبه‌ها با توجه به روش کدگذاری انجام شده است.

مبانی نظری

در جامعه‌شناسی، بحث‌های پیشینه‌دار و مداوم متعددی حول تئوریزه کردن روابط بین محیط‌زیست و جامعه وجود داشته است. جامعه‌شناسان محیط‌زیست تقسیم‌بندی‌های متفاوتی را از نظریه‌ها و دیدگاه‌های مربوط به رابطه بین محیط‌زیست و جامعه ارائه کرده‌اند.

محیط‌زیست‌گرایی

استرن^۱ (۲۰۰۰) انواع نظریه‌های ارائه شده در مورد محیط‌زیست‌گرایی را در تیپ‌های زیر طبقه‌بندی می‌کند:

۱- نظریه‌های که محیط‌زیست‌گرایی را به عنوان یک جهان بینی در نظر می‌گیرند: شاید بارزترین نمونه آن در روان‌شناسی اجتماعی اتخاذ یک پارادایم جدید زیست محیطی باشد با این ایده که افعال انسان و یک زیست‌کره آسیب‌پذیر در یک تعامل جدایی‌ناپذیر به سر می‌برند یک نظریه جهان بینی دیگر محیط‌زیست‌گرایی را در قالب یک «سوگیری فرهنگی» مساوات‌طلبانه یا «زمینه جهت‌گیری» توضیح می‌دهد.

^۱ - Sterne

۲- نظریه‌های که ارزش‌ها را پایه و اساس محیط‌زیست‌گرایی می‌دانند: طبق نظر اینگلهارت (۱۹۹۰) محیط‌زیست‌گرایی رویکردی از ارزش‌های فرامردن‌نظیر کیفیت زندگی و خودبیانگری است که در نتیجه ثروت و امنیت فزاینده در کشورهای پیشرفته ظهور کرده است.

۳- نظریه‌هایی که از رفتار دیگر خواهانه (نوع دوستانه) برای توضیح محیط‌زیست‌گرایی استفاده می‌کنند: این رویکرد که اولین بار توسط هبرلین (۱۹۷۲) مطرح شد دارای این پیش‌فرض است که چون کیفیت زیست‌محیطی یک خیر عمومی است وجود انگیزه‌های نوع دوستانه برای شرکت مردم در آن ضروری است بهترین مثال برای این رویکرد نظریه اسکوارتز است طبق این نظریه رفتار نوع دوستانه (شامل رفتار زیست‌محیطی) در پاسخ به هنجارهای اخلاقی شخصی رخ می‌دهد.

هانینگن^۱ (۲۰۰۶) معتقد است به لحاظ تاریخی، جامعه‌شناسی محیط‌زیست از سال‌های ۱۹۷۰ که به عنوان یک حوزه درسی مستقل ظهور کرد، از دو مرحله گذر کرده است در مرحله اول، جامعه‌شناسان محیط‌زیست تلاش کردند که از میان مجموعه‌ای از عوامل نزدیک و مرتبط به هم، آن عامل کلیدی را که موجب یک بحران مداوم در فرسایش و تخریب می‌شد تعیین کنند در مرحله دوم و اخیراً تغییر قابل ملاحظه‌ای به سوی شناسایی موثرترین فرایندهای اصلاح و بهبود زیست‌محیطی صورت گرفته است (فروتن کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۹۴-۹۲).

واقع‌گرایان انتقادی

واقع‌گرایان انتقادی، جامعه‌انسانی را در رابطه متقابل با طبیعت می‌بینند. زمانی که ما به عنوان انسان تغییری در محیط‌زیست بدهیم، محیط هم به نوبه خود بر ما تاثیر می‌گذارد. این ایده را می‌توان در کتاب دیکنز (۲۰۰۴) تحت عنوان «تغییر طبیعت تغییر خود ماست» مشاهده کرد. از نظر روش‌شناختی واقع‌گرایی انتقادی در پی آن است که یک رابطه یک طرفه بین علت و معلول را با رابطه دیالکتیکی (دو طرفه) جایگزین کند. این دیدگاه همچنین بر یک عقیده قاطع تأکید می‌کند مبنی بر اینکه یک پروسه شالوده‌ای، ضرورتاً در سطح، مشاهده پذیر نیست و عمیق‌تر از آن است که در داده‌های قابل تحلیل بی‌واسطه قرار گیرد. به علت لایه بندی و تعامل بین طبیعت خارجی و جامعه، واقع‌گرایان زیست‌محیطی آماده اند تا علم طبیعی در مورد مسائل زیست‌محیطی را از طریق فرایندهای طبیعی و اجتماعی بررسی کنند و ما برای فهمیدن آنها باید بتوانیم این دو را در کنار هم قرار دهیم (فروتن کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۱۰۲-۱۰۱).

چرخه تولید

نظریه «چرخه تولید» توسط اشناوبرگ و گلد تأکید دارد که همه ما جزئی از یک نظام هستیم که باید به رشد ادامه دهد، به تولید مستمر و بیشتر ادامه دهد و مصرف‌کنندگانی را پدید آورد که این تولیدات را مصرف کنند. این فرایند احتیاج فزاینده‌ای به انرژی و منابع دارد و باعث می‌شود که ضایعات صنعتی و مصرفی به طور دائم ایجاد شوند. طبق نظر گلد و دیگران، نظریه «چرخه تولید» (منطق چرخه تولید ۲۰۰۵) حول برهم‌کنش دو فرایند ساخته شده استاولی گسترش قابلیت تکنولوژیکی است همراه با این پروسه مخصوصاً در جوامع صنعتی مدرن ضرورت استفاده از این قابلیت به منظور ایجاد پشتوانه اقتصادی برای جمعیت گسترش یافته است دومین فرایند چرخه تولید، تفوق

^۱ - Hannigen

ارجحیت رشد اقتصادی را به بار می‌آورد حتی زمانی که بسیاری از تصمیم‌گیرندگان می‌دانند. طبق نشر اشنایبرگ بحران زیست محیطی در ابتدا به علت وجود گرایش شدید به سوی چرخه تولید که به لحاظ زیست محیطی مخرب بود شکل گرفته است در اینجا بر این ویژگی به عنوان نقش محوری روش تولید سرمایه‌داری که منجر به خلق مشکلات محیطی و عدم امکان غلبه بر آنها می‌شود تمرکز شده است. (فروتن کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۱۰۷-۱۰۶).

تحلیل «چرخه تولید» ای مزیت را دارد که مشکلات حاضر زیست محیطی را در نامنصفانه بودن سیستم‌های سیاسی و اقتصادی ساخت بشر جای می‌دهد ولی تفکرش منحصراً براساس منطق سرمایه‌داری بنا شده است. به زعم اشنایبرگ یک «تنش دیالکتیکی» در جوامع پیشرفته صنعتی به وجود می‌آید که پیامد کشمکش بین چرخه تولید و تقاضا برای محافظت از محیط زیست است. او این را به عنوان شکافی میان ارزش‌های مصرفی، مثلاً ارزش حمایت از گونه‌های منحصربه‌فرد حیوانات و گیاهان؛ و ارزش مبادله، که ویژگی کاربرد صنعتی منابع است توصیف می‌کند با ظهور حفاظت از محیط زیست به عنوان یک عنصر مهم در دستورالعمل سیاسی حاکمان، دولت باید تعادل نقش دوگانه خود را به عنوان تسهیل‌کننده انباشت سرمایه و رشد اقتصادی و نیز به عنوان تنظیم‌کننده و مدافع محیط زیست، بالا برد (فروتن کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۱۰۸-۱۰۷).

محدوده مورد مطالعه

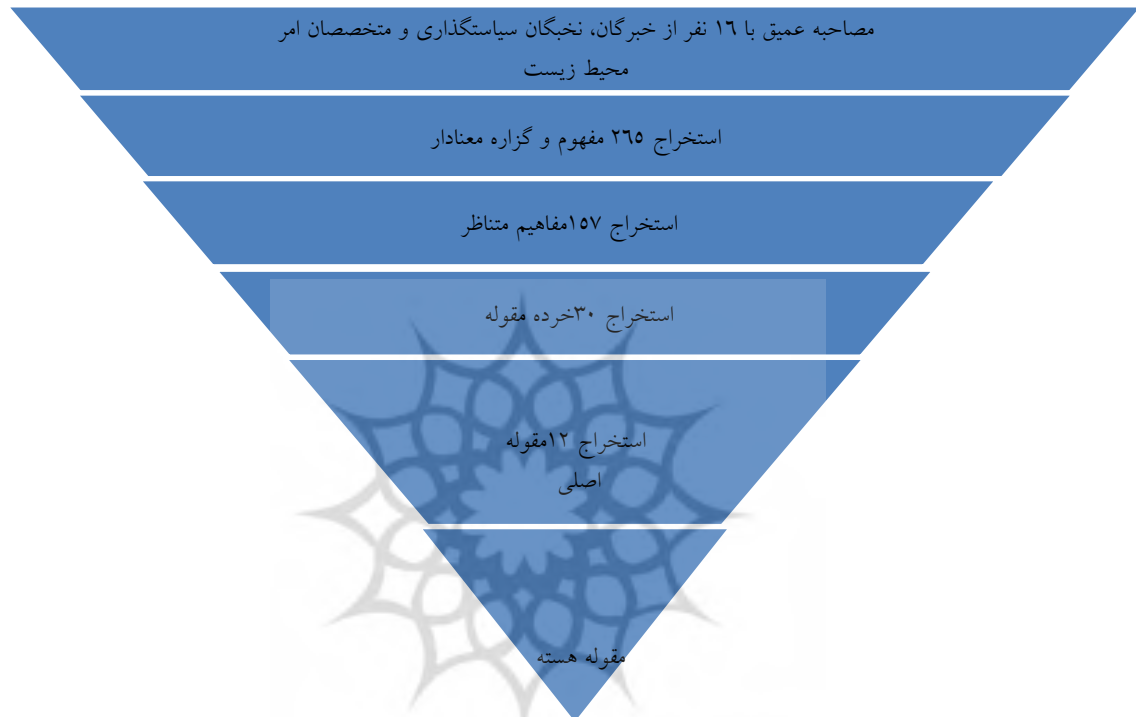
این پژوهش جهت بررسی و تجزیه و تحلیل برنامه‌های زیست محیطی برنامه اول تا ششم توسعه با هدف اینکه این برنامه تا چه میزانی به اهداف خود رسیده‌اند و همچنین در پی ارائه راهکارهای نوین در امر محیط زیست می‌باشد، لذا محدوده مورد مطالعه این پژوهش تمام اقلیم و جغرافیای ایران می‌باشد زیرا کل برنامه‌ها و سیاست‌های زیست محیطی و همچنین پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن، کل کشور می‌باشد، به همین دلیل نیز در روش تحقیق و مصاحبه‌های محیط زیست با اقلیم ایران مدنظر بود.

یافته‌های پژوهش

برای ساخت نظریه در روش کیفی گراند تئوری نیاز به مصاحبه‌های عمیق است. بر همین اساس برای استخراج الگوی نظری و یا فرایند نظریه‌سازی، محقق اقدام به انجام مصاحبه‌هایی عمیق با ۱۶ نفر از خبرگان، نخبگان سیاست‌گذاری و متخصصان امر محیط زیست کرده است. این افراد به طور مستقیمی با فرایندهای مدیریتی و سیاست‌گذاری زیست محیطی کشور درگیر هستند و اطلاعات دانشی و تجارب بالایی در این زمینه دارند. بر همین اساس نکته‌های معنادار و ناب متن گفتگوی آنها عصاره اصلی نظریه استخراجی را تشکیل می‌دهد. برای انجام مصاحبه با خبرگان، نخبگان سیاست‌گذاری و متخصصان امر محیط زیست، از آنها اجازه گرفته شد که متن گفتگوها به وسیله دستگاه ضبط شود و فرایند مصاحبه در محیطی آرام و با آرامش دنبال شد.

طول زمان مصاحبه با این خبرگان، نخبگان سیاست‌گذاری و متخصصان امر محیط زیست بین ۴۰ دقیقه تا ۷۹ دقیقه بوده و کمترین مصاحبه در عرض ۴۰ دقیقه و بیشترین مصاحبه بیش از یک ساعت به طول انجامیده است. در مجموع محقق با همه افراد ۸۹۲ دقیق مصاحبه و گفت‌و شنود علمی پیرامون اجرای سیاست‌گذاری زیست محیطی کشور داشته است. پس از شنیدن مکرر فایل صوتی مصاحبه‌های ضبط شده، محقق اقدام به پیاده‌سازی فایل صوتی نموده و سپس تحلیل را بر اساس متن مصاحبه‌های ثبت شده انجام داده است. در نهایت، نتایج تحلیل داده‌ها بر

اساس مراحل سه گانه کدگذاری ارایه شد و در مرحله کدگذاری باز، بیش از ۲۶۵ مفهوم و گزاره معنادار استخراج شد. در مرحله بعد ۱۵۷ مفاهیم متناظر از تعداد ۲۶۵ گزاره‌های معنادار کلی موجود در متن مصاحبه‌ها استخراج شد. این مقوله‌ها دارای ارتباط مفهومی با همدیگر هستند و به راحتی می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد. در ادامه فرایند کدگذاری از تعداد ۱۵۷ مفاهیم متناظر تعداد ۳۰ خرده مقوله استخراج شده که دارای ارتباط مفهومی با همدیگر هستند. همچنین بخاطر نزدیکی معنایی بسیاری از خرده مقولات محوری در مرحله کدگذاری محوری ۳۰ خرده مقوله موجود به ۱۲ مقوله محوری تبدیل شده‌اند. مراحل تئوری سازی در نظریه زمینه‌ای در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۱. فرایند استخراج تئوری برآمده از مصاحبه‌های پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهشی، ۱۳۹۹

در نهایت پس از بررسی دقیق‌تر و پیوند بین مفاهیم خرده مقولات، ۱۲ مقوله محوری به دست آمد که این مقولات عبارت از: پشتیبانی فکری، ارزش محوری، جدی گرفتن، تصمیمات هماهنگ بالادستی، دانش‌گرایی زیست‌محیطی، تفاهیم دولتی و خصوصی، مدیریت سبز، قوانین کارآمد، محیط فرهنگی، توسعه فرهنگ زیست محیطی، امنیت ملی و سیاست خارجی و افزایش سلامت اجتماعی هستند که با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای به شرح «برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی به علت تصمیمات هماهنگ بالادستی و تفاهم دولتی و خصوصی در بستر جدی گرفتن دانش و ارزش زیست محیطی با استفاده از راهبردهای فکری-قانونی و سبز به پیامدهای امنیت سیاسی و ملی و توسعه فرهنگ زیست محیطی همراه با سلامت اجتماعی منجر می‌شوند» ظاهر شد که می‌تواند تمامی مقولات دیگر را تحت پوشش قرار بدهد. جدول زیر نتایج تحلیل داده‌ها را در مراحل کدگذاری محوری و گزینشی نشان می‌دهد. در اینجا ابتدا هر ۱۲ مقوله همراه با نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان مطرح می‌شود. پس از طرح مقولات، مقوله هسته‌ای و نهایتاً مدل پارادایمی به تصویر کشیده می‌شود.

جدول ۱. خروجی مراحل کدگذاری محوری و گزینشی

مقوله هسته نهایی	مقولات محوری	خرده مقولات
برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی به علت تصمیمات هماهنگ بالادستی و تفاهم دولتی و خصوصی در بستر جدی گرفتن دانش و ارزش زیست محیطی: استفاده از راهبردهای فکری - قانونی و سبز به پیامدهای امنیت سیاسی و ملی و توسعه فرهنگ زیست محیطی همراه با سلامت اجتماعی منجر می‌شوند.	پشتیبانی فکری	تفکر مبنایی نظارت دقیق بر فرایندها هماهنگی تدوین کنندگان و اجرا کنندگان
	ارزش محوری	نگاه ارزشی به محیط توجه به فرهنگ بومی توجه به ارزش‌های اخلاقی
	جدی گرفتن	شعاری نبودن مسایل محیط زیست توجه جدی همگانی
	تصمیمات هماهنگ بالادستی	همفکر بودن همه مسولان هماهنگ بودن همه مسولان اقدام هماهنگ همه مسولان
	دانشگرایی زیست محیطی	آموزش شهروندی توسعه آگاهی عمومی
	تفاهم دولتی و خصوصی	همسویی مدیران اجرایی نهادینه کردن قوانین زیست محیطی
	مدیریت سبز	توجه به مولفه‌های پایدار محیط زیست کاربردی همبستگی با محیط
	قوانین کارآمد	افزایش قدرت قانونی و کاربردی پیگرد مستحکم قانونی
	محیط فرهنگی	شهروندی مسئولانه فرهنگ دوستدار محیط زیست
	توسعه فرهنگ زیست محیطی	توسعه فرهنگی دانشگرایی زیست محیطی
	امنیت ملی و سیاست خارجی	تعامل زیست محیطی بین‌المللی مسئولیت‌پذیری سیاسی امنیت محیطی
	افزایش سلامت اجتماعی	توسعه مهارت‌های اجتماعی و محیطی عملکردهای سلامت محور توانایی‌های ارتباطی و اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهشی، ۱۳۹۹

مقولات محوری محصول انتزاع فکری از خرده مقولاتی که در فرایند کدگذاری از مفاهیم معنادار و متناظر بیرون کشیده شده‌اند. هرچند مشارکت‌کنندگان پژوهش اشاره تلویحی به برخی از خرده مقولات داشته‌اند، اما حدود ۹۰ درصد خرده مقولات و ۹۵ درصد مقولات محوری ساخته و انتزاع شده ذهن محقق است که با توجه به حساسیت نظری موجود اقدام به مقوله سازی شده است. در ادامه برای فهم بهتر این مقولات هر کدام به تفصیل تشریح خواهند شد.

پشتیبانی فکری

تفکر یکی از مهم ترین مباحثی است که درتعلیم تربیت مورد توجه قرار گرفته است. استنباط این مطلب که چگونه سبک های متفاوت تفکر درنگرش و رفتار محیط زیستی نقش دارند، می تواند درک ما را از نیازهای آموزشی برای گسترش فرهنگ زیست محیطی افزایش دهد (بشیری، ۱۳۹۶).

محیط زیستی بر مبنای تفکر سیستمی درپی ایجاد بینش مطلوب، ارزش و آگاهی و علایق در مورد محیط به منظور توسعه پایدار می باشد. سازمان ها برای تقویت جامع نگری در درون خود نیازمند تفکر سیستمی هستند زیرا کمک می کند تا ساختار، الگو ها و وقایع را در پیوند با یکدیگر مورد بررسی قرار دهند و تنها به مشاهده وقایع اکتفا نکنند و از طریق نگرشی نظامند و تمرکز بر مشکلات در حین اجرا به حل آنها پردازند (دادیانی و سلیمان پور، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۸۹). برای اینکه مسئله زیست محیطی مورد نظر با موفقیت و بوطر کامل مورد مناقشه واقع شود، باید حامی نهادی داشته باشد که هم مشروعیت و هم تداوم آن را تضمین کند. این امر زمانی حائز اهمیت است که مسئله ای در دستور کار سیاسی قرار گیرد و مشروعیت یابد. این امر را در سطح بین المللی می توان در نقش مهمی ملاحظه کرد که عوامل و سازمان های غیر دولتی مرتبط با سازمان ملل ایفا می کنند (هانینگن، ۱۳۹۳: ۱۶۶).

براساس جدول ۱. مقوله محوری پشتیبانی فکری سه خرده مقوله؛ تفکر مبنایی، نظارت دقیق بر فرایندها و هماهنگی تدوین کنندگان و اجرا کنندگان وجود دارد که در اصل تدوین فکورانه محصول این سه خرده مقوله است. بر همین اساس یکی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارد: باید با پشتوانه فکری مسایل زیست محیطی را دنبال کرد، برای افزایش آگاهی و قدردانی نسبت به محیط زیست کره زمین باید برای سیاره خود مسئولیت پذیر باشیم و به سهم خود کاری انجام دهیم، اندیشیده باید رفتار کرد. با توجه به اینکه از نظر تئوریک، سیاست‌های زیست محیطی کشور برگرفته از منابع روز دنیاست، می‌توان گفت که باید از استانداردهای جهانی در تدوین آن نیز بهره گرفته شود، چرا که اگر تدوینی اندیشیده شده و متناسب با معیارهای جهانی وجود نداشته باشد، بدون شک از نظر مکانیسم اجرایی آن باید گفت که با شکست مواجه خواهند شد». همچنین مشارکت‌کننده دیگری: عامل اصلی شکست سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی را تدوین نادرست و ناهماهنگ می‌داند.

از این رو: اجرای خط مشی یک فرایند تجربی است که نیازمند تبیین بر حسب علل و شرایط است و پیش نیاز آن مطالعه در منطقه اجرا قبل از تدوین است. بر همین اساس باید خاطر نشان کرد که تدوین با پشتیبانی فکری علت مهمی برای موفقیت در اجرای سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی است.

ارزش محوری

همانطور که درباره طبیعت یک باز اندیشی صورت گرفته است، درمورد ارزش گذاری ها نسبت به محیط زیست هم تغییراتی به وجود آمده است. امروزه به نظر می رسد که رویکردهای آغاز عصر مدرن که به طبیعت چندان اهمیت نمی

داد و هر گونه بهره‌کشی از آن را روا می‌دانست، به کلی تغییر یافته و علاقه و دل‌بستگی به طبیعت و سرنوشت محیط زیست به یک گرایش اساسی و همگانی در جامعه بشری تبدیل شده است (صالحی، فیروز جاثیان و غلامرضا زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۷۲). براساس جدول ۱. ارزش محوری محصول سه خرده مقوله مهم؛ نگاه ارزشی به محیط، توجه به فرهنگ بومی و توجه به ارزش‌های اخلاقی است. بر همین اساس این انتظار از سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی می‌رود که اخلاقاً مورد تایید بستر جامعه باشند. بر همین اساس به اعتقاد یکی از مشارکت‌کنندگان: ما در بحث‌های فرهنگ سازی کار نکرده ایم. مثلاً ائمه جماعت بسیار تاثیر گذار خواهند بود. که می‌توانند مسائل زیست محیطی را در خطبه‌های خودشان با حمایت و مشاوره کارشناسان مطرح نمایند و از این طریق می‌توان به جامعه آگاهی بیشتری بدهند. تا زمانی که افراد از ابتدای کودکی با مسائل زیست محیطی بیگانه باشند، جامعه مورد نظر در این زمینه موفقیتی نخواهد داشت و اینها جنبه‌های زیربنایی هستند.

جدی گرفتن محیط زیست

برایان وین و سومیر استدلال می‌کنند که تصمیم برای اقدام رسمی درباره مخاطرات زیست محیطی باید براساس اصل احتیاطی صورت پذیرد. بدین معنی که اگر دلیلی برای مشکوک شدن به اینکه ماده یا فعالیت خاصی وجود دارد که باعث به خطر افتادن محیط زیست می‌شود، باید فعالیتی صورت گیرد، حتی اگر آن شواهد محکم نباشند. منطق این دیدگاه این است که اگر بخواهیم سال‌ها منتظر تجزیه و تحلیل علمی نهایی بمانیم، برای واکنش موثر بسیار دیر خواهد شد. آنها معتقدند در جاییکه محیط زیست در خطر است هیچ‌گونه مرز مشخصی بین علم و سیاست وجود ندارد (هانینگن، ۱۳۹۳: ۲۰۲). از آن جا که خطرات گرمایش زمین در جریان روزمره ملموس، فوری و مشهود نیست، ممکن است بسیاری از افراد دست روی دست بگذارند و هیچ کار خاصی درباره آن‌ها انجام ندهند. اما قبل از اینکه بخواهیم یک اقدام جدی انجام دهیم، منتظر بمانیم تا چنین خطراتی مشهود و بحرانی شوند و به شکل مصیبت بار ظاهر شوند که یقیناً نتیجه‌ی تغییرات اقلیمی هستند، بسیار دیر خواهد شد (گیدنز، ۱۳۹۴: ۲۴).

اگر قرار باشد راه حل‌هایی برای مشکلات زیست محیطی پیدا شود، این مردم و کل جوامع اند که باید رفتارهای مخرب کنونی را خودرا تغییر دهند. اگر قرار است این مردم و جوامع را بشناسیم به دانش علوم اجتماعی نیاز داریم. زمین‌شناسان، زیست‌شناسان، بوم‌شناسان و دانشمندان محیط زیست می‌توانند ما را از فرایندهایی آگاه کنند که بصورت طبیعی رخ می‌دهد و باعث مشکلات زیست محیطی می‌شوند. اما آنان در زمینه فرایندهای اجتماعی و مطالعه تحقیقات اجتماعی متخصص نیستند (ساتن، ۱۳۹۷: ۵۵).

براساس جدول ۱. مقوله جدی گرفتن مسأله محیط زیست محصول دو خرده مقوله مهم؛ شعاری نبودن مسایل محیط زیست و توجه جدی همگانی است. در موارد دیگری نیز مساله محیط زیست دلیلی برای برخی مخالفت‌ها و سرپوش گذاشتن برنامه‌های مدیران است. در مواردی دیگر مساله محیط زیست مقوله‌ای برای رای‌آوری برخی مدیران و یک ابزار تبلیغاتی است. بر همین اساس یکی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارد: تفاهمی بین دولت به عنوان مجری و مجلس به عنوان قانون‌گذار در عرصه زیست محیطی وجود ندارد. هر کدام دنبال منافع خود و به دنبال استفاده ابزاری از محیط زیست هستند. دولت اگر می‌خواهد شعارهای انتخاباتی را که داده است در قالب مصوبه بیاورد، با مانع بزرگی به اسم مجلس مواجه می‌شود. دولت به فکر پیش بردن سیاست‌های خودش است، اما مجلس

مشکل از نماینده های مردم که هر حوزه ای مکلف است که برای شعارهایی که داده است اقدام کند و متأسفانه معمولاً هم مغایرت دارد و بدین ترتیب مجلس در برابر اجرای سیاست‌های دولت مقاومت می‌کند و اجازه اجرای آن سیاستها را نمی‌دهد. و در واقع آن بخش از سیاست‌های دولت که شعاری و انتخاباتی هم نیست، با مانع بزرگی به اسم مجلس مواجه است. در رویکردی دیگر این اعتقاد وجود داشت که: جامعه ما از لحاظ دانش زیست محیطی بسیار فقیر است و از مشکلات آن چیزی نمی‌دانند و کلاً به آن فکر نمی‌کنند. بنابراین به هیچ وجه جزء دغدغه های آنها به حساب نمی‌آید. و در واقع احساس مسئولیت اجتماعی در کشور ما نه تنها در مردم وجود ندارد، بلکه در دولت و سیستم اداری و در میان مدیران هم وجود ندارد و تخصیص وقت و اعتبار برای اجرای قوانین زیست محیطی بی معنی و غیر ضروری می‌نماید و باید عنوان کرد جامعه و حکومت ما اهمیت مسائل زیست محیطی را باور ندارد.

بر همین اساس مساله محیط زیست یک مساله جدی و ملی نیست. چرا که فرهنگ زیست محیطی مردم با استانداردهای موجود فاصله بسیار زیادی دارد، زیرا بسیاری از مدیران و سیاستگذاران و تصمیم سازان نیز با فرهنگ زیست محیطی غریبه هستند و به آن به عنوان مسائل فانتری و پیش پا افتاده نگاه می‌کنند. بنابراین اگر مساله محیط زیست جدی گرفته شود، پیامدهای مطلوبی برای نظام سیاسی دارد.

تصمیمات هماهنگ بالادستی

دولت بسیاری از ابزارهای قدرت را در اختیار دارد که برای تاثیر گذاری جدی بر گرمایش زمین باید از آنها کمک بگیریم. نقش دولت به عنوان دولت تضمین گر چه باید باشد؟ مهمترین کارکرد دولت باید تسهیل گری و آسان سازی باشد، اما مطمئناً وقتی مسئله تغییرات آب و هوا و امنیت انرژی مطرح می‌شود، باید تلاش کند به تعهدات خود در این زمینه نیز عمل کند (گیدنز، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

دولت‌ها باید فعالانه اقتصاد و جامعه خلاق را تشویق کنند، حتی زمانی که به نظر می‌رسد آن‌ها تاثیر فوری بر تغییرات آب و هوا نداشته باشند (گیدنز، ۱۳۹۴: ۱۶۲).

برای ترویج انطباق، حکومت‌ها باید خلاقیت و نوآوری را در جامع مدنی و بخش کار تشویق کنند. مشارکت شهروندان ضروری است و حقوق و مسئولیت‌های آنان باید در سطوح مختلف حکومت توزیع شود. فعالیت‌های مورد نیاز هر کشور برای انطباق، بسته به الگوهای آب و هوایی فعلی و موقعیت جغرافیای آنان، با فعالیت کشورهای دیگر بسیار متفاوت خواهد بود (گیدنز، ۱۳۹۴: ۲۳۴).

بخش‌های از دستگاه دیوانی دولت که درگیر با موضوع محیط زیست است، به راحتی بتواند تنگناها و مشکلاتی را که جنبه عمومی داشته کلیت محیط زیست را خدشه دار کرده اند، شناسایی و به مبادی ذریع و سازمان‌های ستاد اعلام نمایند. تا مشکلات مسائل ناشی از آن را بررسی کنند و جهت سیاستگذاری به نهاد خط مشی گذار ارائه گردد. مشکلات محیط زیستی اگر در حدی باشد که جنبه عمومی پیدا کرده و یا گنجایش آن را داشته باشند که در آینده مشکل ساز باشند، در کنار دیگر مسائل مربوط به حوزه عمومی تحت اقدار حاکمیت، قابلیت اداره و مدیریت را خواهند داشت (فرهادی ورز می، ۱۳۹۶: ۱۶۱).

با توجه به شرایط نامطلوب و بحرانی محیط زیست در ایران و از آنجا که سازمان محیط زیست و منابع انسانی آن در صف نخست حمایت و مراقبت از محیط زیست می‌باشند، نهادینه بودن مسئولیت‌پذیری محیط زیستی و داشتن دیدگاه سیستمی از مختصات ضروری این سازمان می‌باشد (دادیانی و سلیمان پور، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۸۹).

براساس جدول ۱. هماهنگی و همراستایی نهادی در فرایند سیاست‌گذاری با سه خرده مقوله؛ همفکر بودن همه مسولان، هماهنگ بودن همه مسولان و اقدام هماهنگ همه مسولان تعریف شده است. یکی از اصلی‌ترین موانع اجرای موفق سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی کشور عدم هماهنگی بین قوا است. بر همین اساس یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند: تفویض یک کار به سازمان‌های مختلف باعث سردرگمی و ناهماهنگی بین سازمانها و گروههای مختلف می‌شود و نیاز به یک مدیریت جامع و واحد احساس می‌شود. همچنین: مهترین علت عدم اجرای سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی شاید عدم هماهنگی سیاست‌های اجرایی کشور باشد.

این مساله که بخش‌های مختلف نهادی و سازمانی در کشور همراستا و همسو نیستند، دامن‌گیر بخش‌های زیادی از دستگاه‌های اجرایی است و در حوزه محیط زیست نیز اصلی‌ترین چالش بین اشتغال و محیط وجود دارد. بر همین اساس بخشی از گفتگوی یکی از نخبگان به این مساله اشاره دارد: به نظر بنده موضوعات فردی سازنده موضوعات ساختاری است. ما دغدغه معیشت داریم. وقتی دادستان اجازه فعالیت به ناقصین قوانین زیست محیطی را می‌دهد. به عنوان شخصی دلسوز که نگران کار و وضعیت معیشت مردم است، شناخته می‌شود و محیط زیست را به عنوان سد راه اشتغال می‌داند و در واقع دغدغه‌های فردی، دغدغه‌های ساختاری را شکل می‌دهد و کسانی که دغدغه ساختاری دارند، اجازه حرکت در خلاف جهت کسانی که دغدغه‌های زیست محیطی دارند، نمی‌یابند. برای حل این چالش به هماهنگی بیشتر بین نهادها نیاز است، نباید محیط زیست در کشور قربانی برخی مشاغل سطح پایین شود. البته توسعه مشاغل در موارد دیگر و توسعه نهادهای مردم‌نهاد همسو با سیاست‌های محیط زیست بسیار تعیین‌کننده است.

دانشگرایی زیست محیطی

به ندرت مسئله‌ای زیست محیطی یک شبه و بدون هیچ گونه مشروعیت قبلی مشاهدات و منازعات علمی ظاهر می‌شود. فرایندی که طی آن مسائل زیست، محیطی به عنوان مسائل علمی تعیین می‌شوند و تکامل می‌یابند به جای پیشرفت در طول مسیر خطی، با ایجاد منبعی از دانش مشخص می‌شوند که بطور غیر مترقبه‌ای در مسیرهای غیر منتظره گسترش می‌یابد (هانینگن، ۱۳۹۳: ۲۰۶-۲۰۵).

براساس جدول ۱. دانشگرایی زیست محیطی به عنوان یک مقوله اثرگذار بر اجرای موفق خط‌مشی‌های زیست محیطی محصول دو خرده مقوله؛ آموزش شهروندی و توسعه آگاهی عمومی است. بر اساس نظر تعدادی از نخبگان مشارکت‌کننده در این پژوهش آموزش به عنوان کلید اصلی و یک مداخله‌گر قوی در ارتباط با موفقیت اجرای خط‌مشی‌ها مطرح است. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارد: این آموزش و فرهنگ‌سازی را باید به شیوه‌های مختلف از جمله مدارس و دانشگاهها، مساجد، رسانه‌های دیداری و شنیداری و به طور کلی همه جانبه صورت گیرد و این نهادینه شدن قوانین زیست محیطی در جامعه نوید آینده‌ای روشن و اجرای درست و دقیق سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی را می‌دهد. با توجه به اهمیت نقش آموزش در توسعه دانش زیست محیطی و

نتیجه آن حفظ محیط زیست مشارکت کننده دیگری بر مساله آموزش تاکید دارد و اعتقاد دارد: آموزش و فرهنگ سازی بین مردم بسیار حساس و مهم است و باید روی آن سرمایه گذاری کنیم. تازه امسال قرار شده است که از بین دوازده کلاسی که تا مرحله پایان تحصیلات متوسطه انجام می‌شود، کلاً در یک سال آن یک کتابی با عنوان محیط زیست تدریس شود که نشان دهند به موضوع محیط زیست اهمیت داده اند. که اصلاً کافی نیست و در واقع رفع تکلیف است. برای نهادینه شدن اصلاً کافی نیست. باید در دانشگاه‌ها چند واحد درسی راجع به بحث های زیست محیطی و مسائل اجتماعی ارائه شود. تا افراد با مسائل مختلف زیست محیطی از جمله انرژی، پسماند و انواع آن و ... آشنا شوند. این رویکردها گویای یک واقعیت مهم هستند و آن هم این مساله است که محیط زیست بدون آموزش از بین خواهد رفت.

تفاهم دولتی و خصوصی

دولت باید با ارائه اطلاعات در سطح وسیع مشارکت و آگاهی مردمی را تسهیل و ترغیب کند. باید دسترسی کارآمد به روال های قضایی و اداری از جمله ترمیم و جبران خسارت فراهم شود. در برخی موارد گزارش های سازمان های غیردولتی از مذاکرات بین المللی یا فعالیت های سازمان های بین المللی می تواند گزارش ارائه شده توسط دولت ها را متعادل کند و از این رهگذر افقی وسیع تر از رویدادهای مجامع بین المللی و نتایج آنها را بگستراند (فرهادی و رزمی، ۱۳۹۶: ۱۸۱-۱۷۹).

بر اساس جدول ۱. تفاهم دولتی و خصوصی شامل دو خرده مقوله؛ همسویی مدیران اجرایی و نهادینه کردن قوانین زیست محیطی است. در بحث ائتلاف اجرایی لازم است که بخش خصوصی و دولتی تفاهم گسترده‌ای را در فرایند اجرا تجربه کنند و این ائتلاف بیشتر به معنی ادای سهم بخش خصوصی در ارتباط با محیط زیست است، چرا مساله محیط زیست فقط دولتی نیست و رعایت بایسته‌های آن سهم بخش خصوصی نیز هست برای مثال یکی از مشارکت کنندگان اعتقاد دارد: بهترین راهبردها و استراتژیها برای موفقیت سیاست گذاری زیست محیطی هماهنگی همه ارگان‌های دولتی، خصوصی و اجتماعی و ایجاد توازن کاری و آینده نگری در مسائل محیط زیست است. علاوه بر این در بخش نهادی و سازمانی نیاز به سازگاری و هماهنگی به ویژه در بحث قوانین بسیار مورد توجه است. بر همین اساس یکی از مشارکت کنندگان اعتقاد دارد که: اجرای موفقیت آمیز خط مشی های زیست محیطی باید با جهت گیری های قانونی بالادستی سازگار باشد.

چرا که تداخل قوانین در این زمینه مشکل عمده محیط زیست و برنامه‌های زیست محیطی است. هرچند در موارد متعددی بخش خصوصی در فرایندهای زیست محیطی موفق عمل می‌کنند، اما پشتوانه و حمایتی از بخش کلان حاکمیتی و دولتی دریافت نمی‌کنند و به طور دقیق‌تر اراده قاطعی برای اجرا از طرف مراجع بالا دستی دیده نمی‌شود و استدلال این ادعا را می توان در اعتقاد یکی دیگر از مشارکت کنندگان دید که می‌گوید: مساله محیط زیست یک مساله همگانی است و بدون هماهنگی همه جانبه بین بخش دولتی و خصوصی نمی توان مسایل ناشی از آن را حل کرد.

مدیریت سبز

مدیریت سبز به مفهوم مدیریتی برای همگرایی بیشتر مسئولیت های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است. امروزه رویکرد سبز در جهان در حال گسترش می باشد. مدیریت سبز متناظر با توسعه پایدار می باشد. امروزه با

توجه به آلودگی های هوا، تغییرات اقلیم، جنگل زدایی و غیره، مدیریت سبز به کمک مشکلات آمده و تلاش می کند با ایجاد معیارها و مقرراتی به سبز شدن، کارخانه ها، ارگان ها، و ... کمک کند. سیاست های زیست محیطی به طور بالقوه بر تمامی گروه های اجتماعی تاثیرگذارند و بنابراین باید تمامی طیفهای افراد جامعه را در برگیرند ایجاد احزاب سیاسی سبز از دهه ۱۹۷۰ موجب شد اندیشه های بوم - مدار در ارتباط با جریان اصلی تفکر انسان - مدار قرار گیرد (ساتن، ۱۳۹۷: ۱۹۲-۱۹۰).

براساس جدول ۱. مدیریت سبز به عنوان یک استراتژی مهم و اثرگذار در فرایند اجرای سیاست گذاری زیست محیطی محصول سه خرده مقوله مهم؛ توجه به مولفه های پایدار، محیط زیست کاربردی و همبستگی با محیط است. یکی از مشارکت کنندگان بیان می کند: یکی از مواردی که باید به آن توجه کرد، بحث مدیریت سبز است. مدیریت سبز زیر شاخه هایی دارد. بحث استفاده بهینه از انرژی، استفاده بهینه از منابع آب، مدیریت پسماندها است. با انجام هزینه هایی برای پیاده کردن اتوماسیون، می توان در مصرف کاغذ و تولید کمتر پسماندها کمک کرد. و سازمانها نباید منتظر مدیریت انرژی و پسماندها از جانب دولت و شهرداریها باشند و در هر سازمانی باید مدیریت سبز اجرا شود. و در این زمینه فرهنگ سازی شود و کلیه سازمانها ملزم به اجرای قوانین زیست محیطی و اجرای مدیریت سبز باشند. بنابراین مدیریت کردن بخش های مختلف دولتی بر اساس رویکردهای سبز می تواند بسیار تاثیرگذار باشد. علاوه بر مدیریت سبز ثبات مدیریتی به ویژه مدیریت های کارآمد بسیار حیاتی است. بر این مبنای اعتقاد یکی از مشارکت کنندگان: بهترین راهبردها و استراتژی ها برای موفقیت سیاست گذاری زیست محیطی در نظر گرفتن و اجرای راهبرد بهره وری سبز و مدیریت سبز است.

قوانین کارآمد

قوانین مقررات مربوط به محیط زیست، می بایست توانایی پیش بینی علل وعوامل نابودی محیط زیست را داشته باشند و از آنها جلوگیری به عمل آورند و وقتی که تهدید های جدی و غیر قابل جبران وجود دارد عدم تشخیص کامل این تهدید ها نباید دلیلی برای به تعویق انداختن ضوابط جلوگیری از بین رفتن محیط زیست باشد (فرهادی و عطازاده، ۱۳۹۹: ۹۴۶-۹۳۵).

آن گونه که در منشور ملل متحد نیز آمده است که حقوق اقتصادی از جمله حقوق بشر تلقی گردیده است و این حقوق محقق نمی شود مگر اینکه بحث محیط زیست بصورت پایدار مورد توجه قرار گیرد و این موضوع در قوانین اکثر کشورها به صورت شاخص آمده است (کشاورز، میر عباسی و کامرانی، ۱۴۰۰: ۳۳۲-۳۱۵).

قوانین کارآمد به عنوان یک استراتژی کارا محصول؛ افزایش قدرت قانونی و کاربردی و پیگرد مستحکم قانونی هستند. ضعف های قانونی بسیار آسیب زننده هستند و اگر در راستای سیاست های زیست محیطی این ضعفها پررنگتر باشند، به تبع آن، آسیبها و مشکلات بیشتر خواهد بود. به اعتقاد یکی از مشارکت کنندگان: قوانینی را در مجلس تصویب می کنند، ولی در اجرا مشکلات بسیاری دارند و قدرت اجرایی در کار نیست. سازمان ها آلودگی و مسائل زیست محیطی را در بوق و کرنا مطرح می کنند. ولی سازمان محیط زیست و سازمانهای متولی دیگر از لحاظ مدیریتی و کارشناسی و ساختاری بسیار ضعیف عمل می کنند. و یا با پیگردهای قانونی موثر به افراد خاطی اعم از

حقیقی و حقوقی تا حصول نتیجه با ورود موثر قوه قضاییه می‌توان به اجرای موفق خط مش‌های زیست محیطی امیدوار بود.

محیط فرهنگی

فرهنگ با محیط طبیعی و فرهنگی در تعامل است. یک فرهنگ ابتدا باید پاسخ‌گویی نیازهای زیستی اعضای آن باشد. فرهنگ با حل مسائل مختلف راه‌های مختلفی ارائه می‌دهد برخی از این راه‌ها، در دسترس نیستند و دیگران خود آنها را ارائه می‌دهند. تغییر فناوری همچنین این مسائل را تغییر می‌دهد. به احتمال زیاد افزایش مجموعه‌ای بالقوه از گزینه‌های در دسترس، در یک فرهنگ است (فروتین کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۴۵-۴۴).

بهبود محیط زیست زمانی حاصل می‌شود که محیط طبیعی و فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند، لازمه چنین هدفی، وجود رفتار محیط‌زیستی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه در قبال طبیعت در یک کشور می‌باشد (دادیانی و سلیمان پور، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۸۹).

محیط فرهنگی یکی دیگر از استراتژی‌های موثر بر اجرای موفق خط‌مشی‌های زیست محیطی کشور است. این استراتژی محصول دو خرده‌مقوله؛ شهروندی مسئولانه و فرهنگ دوستدار محیط زیست است. چرا که: بدون اعتماد شهروندان به نهادهای مسئول اجرای سیاست‌گذاری‌ها، حتماً اجرای سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی با شکست مواجه می‌شوند. باید به شهروندان اعتماد کنیم.

بر همین اساس باید به ارتقای فرهنگ زیست محیطی به عنوان شاخصی از شناخت ارزش‌های فرهنگی محیط تاکید کرد. بر اساس نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: درک مردم از فرهنگ زیست محیطی بسیار محدود و سمبلیک در حد عدم ریختن زباله در معابر عمومی و خیابان‌ها و آلودگی هوا ناشی از تردد خودروی تک سرنشین است. بنابراین باید به ارتقای فرهنگ زیست محیطی اندیشید.

توسعه فرهنگ زیست محیطی

بطور خاص این طور بیان می‌شود که حفاظت از طبیعت سه مرحله مهم از نهادینه سازی جهانی را پشت سر گذاشته است: تغییر در فرهنگ جهان، تغییر در سازماندهی جهان و تغییر در سیاست‌های دولت-ملت. درحالی‌که حفاظت از طبیعت در نهایت بصورت شیوه‌های خاص و دستورالعمل‌گونه وارد نظام عمل جامعه شد (هانینگن، ۱۳۹۳: ۳۱۲-۳۱۱).

امروزه مسئله محیط زیست تنها به مسائل علوم محیطی زیستی اکولوژی محدود نمی‌شود بلکه متاثر از ویژگی‌های منحصر به فرد هر منطقه در ابعاد اقتصادی فرهنگی و اجتماعی است، آموزش ابزار تحول و توسعه اجتماعی و موثرترین عوامل در تغییر رفتار و نگرش منابع انسانی است. آموزش خود یک هدف نیست بلکه ابزاری کلیدی برای یادگیری است. از آنجا که بسیار از تخریب‌های زیست محیطی نتیجه فعالیت انسان است از این رو آموزش و آگاه سازی انسان در زمینه اهمیت محیط زیست برای ادامه حیات بشر امر مهمی است. آموزش محیط زیست به دنبال تعلیم شهروندی است که از محیط بیوفیزیکی و مسایل مربوط به آن مطلع بوده و مشتاق کارکردن برای اجرای راه حل هاست (افضل خانی، ۱۳۹۸: ۷۸-۵۷).

بر اساس جدول ۱. مقوله توسعه فرهنگ زیست محیطی به عنوان مهمترین پیامد اجرای موفق سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی دارای دو خرده‌مقوله؛ توسعه فرهنگی و دانش‌گرایی زیست محیطی است. با ارتقای فرهنگ زیست

محیطی کار موسسات ذی‌ربط در این زمینه بسیار آسان خواهد شد. با توجه به نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: با توجه به اینکه جریان فرهنگی را می‌توان آموزشی و از بالا به پایین دانست و فرض کرد، در صورتی که نوع آموزش‌ها استانداردهای قویتری داشته باشد، می‌توان به فرهنگ زیست محیطی بالاتر امیدوار بود. گرچه فرهنگ زیست محیطی را نمی‌توان با استانداردها سنجید. چون روندی پویا و دینامیک است. بلکه این آموزش‌های فرهنگی است که می‌بایست استاندارد باشد تا بتوان به نتایج مطلوب امیدوار بود.

بر همین اساس یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند که: طرف دیگر قضیه مردم و فرهنگ زیست محیطی است. که در این زمینه بسیار فقیر و ضعیف هستیم. از لحاظ دانش زیست محیطی بسیار بی‌سواد هستیم و چیزی نمی‌دانیم. و بزرگترین کاری که انجام می‌شود این است که مثلا یک فرد فرهیخته دانشگاهی زباله روی زمین نریزد. و به بقیه ابعاد آن اصلا دقت نمی‌کنیم. مثلا یکی از بحثهای روز دنیا بحث تفکیک پس مانده‌هاست. پسماندها چه هستند. انواع آن کدام است و این موضوعات حتی بین افراد تحصیل کرده ما جاری و ساری نشده است.

امنیت ملی و سیاست خارجی

از دهه ۱۹۹۰ لزوم ارائه تعریفی تازه از عناصر امنیت ملی آشکار گردید. اکنون نیز تحولات جهانی به شیوه مشابه نیاز به ارائه تعریف گسترده تری از امنیت ملی را مطرح ساخته است که مسئله منابع، محیط زیست و جمعیت را در خود منظور سازد. بنابراین مسایلی مانند مهاجرت، بیماری‌های خطرناک، و آسیب‌هاس زیست محیطی به خودی خود تهدید مستقیمی بر ضد تمامیت سرزمینی یا حفظ رژیم کشورها نیست، اما زمانی که بر توانمندی‌های اقتصادی، منابع طبیعی و نیروی انسانی تاثیر می‌گذارند، تهدیدی علیه امنیت ملی کشورها محسوب می‌شوند (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۳۹-۱۹۹).

چهار رویکرد امنیتی که به نوعی به طبیعت نظر دارند رامی‌توان استنتاج کرد که عبارتند از:

۱. کمبودهای زیست محیطی می‌تواند به مثابه عاملی در ایجاد بی‌ثباتی و نزاع، نقش آفرینی کند.
۲. تلاش برای آماده ساختن خود جهت جنگ یا پرداختن به جنگ، منجر به فرسایش طبیعت و لطمه دیدن آن می‌شود.
۳. افت طبیعت و آسیب دیدن آن به سلامتی انسان و سطح بهره‌مندی و رفاه انسان آسیب می‌زند.
۴. بهبود وضعیت و جایگاه طبیعت به نوعی در تقویت حاکمیت که موضوع اصلی امنیت مطابق رویکرد سنتی است موثر است و این امر حکایت از آن دارد که طبیعت، در قالب گفتمان سنتی نیز، دارای اهمیت است (فروتن کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

ایران در منطقه با تعداد زیادی کشور هم‌مرز است که متأسفانه برخی از آنها علاوه بر اینکه از تصمیمات و سیاست‌های پایداری بهره نمی‌برند، از لحاظ زیست محیطی نیز مناطق مرزی را دچار آسیب‌ها و تحمیل هزینه‌هایی کرده‌اند. برای این منظور در برنامه پنجم اندیشه در خوری اتخاذ نشده و لذا می‌تواند در آینده به عنوان یک تهدید جدی قلمداد شود (گلدانی و امامی‌مبیدی، ۱۳۹۴: ۳۳۶-۲۹۸).

بحران محیط زیست و آب در خاورمیانه در سال‌های آتی به یک تهدید جدی امنیتی و تمدنی تبدیل خواهد شد. بحرانی که در چند دهه قبل به یک شوخی رسانه‌ای شباهت بسیار داشت، کم‌کم به یک واقعیت و یک سرنوشت

محتوم برای منطقه تبدیل می‌شود. بحران آب اگر نتواند به درستی کنترل و مدیریت شود، نظم سیاسی موجود در خاورمیانه برهم خواهد خورد (محمدی پور، اخباری و حمزه، ۱۳۹۸: ۱۵۸-۱۳۷).

ایران کشوری است که از لحاظ اقلیمی جزو کشورهای خشک و نیمه خشک جهان محسوب شده، به طوری که متوسط بارندگی سالانه آن حدود یک سوم متوسط بارندگی خشکی‌ها و کمتر از یک سوم متوسط بارندگی کره زمین است و از سوی دیگر میزان تبخیر آن، حدود سه برابر تبخیر خشکی‌های زمین می‌باشد (زهره و نندی، خورشید دوست و ساری صراف، ۱۳۹۹: ۱-۱۴).

بر اساس جدول ۱. مقوله امنیت ملی و سیاست خارجی محصول سه خرده مقوله؛ تعامل زیست محیطی بین‌المللی، مسئولیت‌پذیری سیاسی و امنیت محیطی است. در همین ارتباط یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند که: محیط زیست بهانه‌ای برای توسعه دیپلماسی برون مرزی ماست. با توسعه روابط بین‌المللی می‌توان بسیاری از مشکلات زیست محیطی و حتی سایر مشکلات را حل کرد.

در اظهار نظری دیگر از مشارکت‌کنندگان: دیپلماسی خارجی باید ورود پیدا کند. ما در زمینه مسایل زیست محیطی بین‌المللی مانند ریزگردها به سیاست خارجی نیاز داریم. صد البته که روابط خوب با همسایگان در حل مشکلات زیست محیطی کمک‌کننده است و مسئولیت‌گریزی به وجود نمی‌آورد.

افزایش سلامت اجتماعی

آلودگی محیط زیست با کاهش سلامت عمومی، موجب اتلاف هزینه‌های بخش سلامت می‌گردد، بنابراین آن بخش از بودجه دولتی و هزینه‌های خصوصی که بخش بهداشت درمان اختصاص می‌یابد، صرف مقابله با آثار مضر آلودگی بر روی سلامتی می‌گردد (محمد زاده، قهرمانی و نظریان، ۱۳۹۴: ۴۹۵-۵۰۵).

رویکرد رفاه اجتماعی از اواخر دهه ۱۹۷۰ و با توجه به توسعه پایدار و نقش محیط زیست در سلامت و رفاه اجتماعی تغییر یافت. توزیع عادلانه منابع زیست محیطی و ارائه شاخص‌های جدیدی برای رفاه اجتماعی که به غیر از توزیع عادلانه ثروت به نابرابری‌های زیست محیطی نظیر شاخص‌های دسترسی به آب سالم و سیستم دفع فاضلاب پردازد ورد توجه قرار گرفت. امروزه اهمیت رفاه زیست محیطی به گونه‌ای است که کشورهای توسعه یافته و همچنین سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با سلامت و رفاه، شاخص‌های رفاه زیست محیطی را تعریف کرده و دنبال دستیابی به استاندارد‌های سطح بالای آن می‌باشند (فرخی، ۱۳۹۵).

حجم عظیمی از آلاینده‌هایی که تغییرات آب و هوا را به بار آورده‌اند. از سوی کشورهای صنعتی تولید شده است. با این حال، تاثیر این مسئله در مناطق فقیرتر جهان بیشتر احساس خواهد شد. عدالت اجتماعی به معنی واقعی کلمه، باید به تلاش‌هایی که در جهت کاهش این تاثیر صورت می‌پذیرد، کمک کند. سطح مخاطره‌ای که فقر برای مناطق و کشورهای برخوردارتر ایجاد می‌کند، حتی اگر گرم شدن زمین هم وجود نداشته باشد، باز هم هولناک خواهد بود (گیدنز، ۱۳۹۴: ۲۹۶-۲۹۵).

بر اساس جدول ۱ در این پژوهش افزایش سلامت اجتماعی به عنوان پیامد مهم سیاست‌گذاری زیست محیطی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این مقوله اصلی محصول سه خرده مقوله مهم؛ توسعه مهارت‌های اجتماعی و محیطی، عملکردهای سلامت محور و توانایی‌های ارتباطی و اجتماعی است.

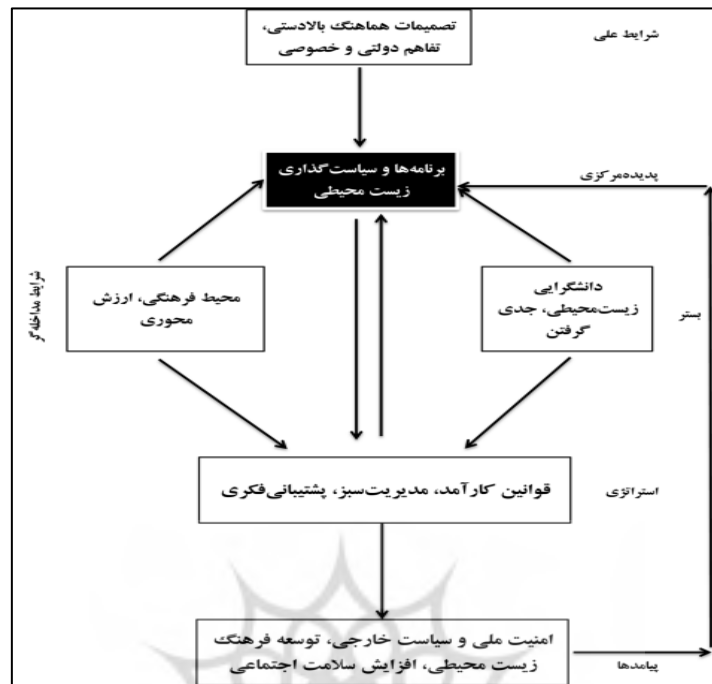
بر همین اساس در یک اظهار نظر یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند: اجرای سیاست‌های زیست محیط به پیامدهای مطلوبی منجر می‌شود. برنامه سیاست‌ها سالم سازی جامعه و محیط است. توجه به این سیاست‌گذاری‌ها باعث می‌شود تا افراد به سیاست‌های سلامت محور توجه نشان دهند.

در رویکردی دیگر ارتباطات افراد در درون شبکه‌های اجتماعی برای حفظ محیط زیست نیز یک مهارت تلقی شده و بر این اساس یکی از نخبگان (مصاحبه‌کنندگان) بیان می‌کند که: مطرح کردن بحث‌های زیست محیطی و تسری آن به همه لایه‌های جامعه نوعی مهارت ارتباطی شهروندان است. باید گفت که نگهداشتن محیط زیست و حساس شدن نسبت به آن یک نوع مهارت است. باید باین نوع مهارت‌ها بیشتر در جامعه معرفی شوند و شبکه‌ای از روابط و مهارت‌های ارتباطی برای حفظ و نگهداشتن محیط زیست در بین همه افراد نهادینه شود.

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند که: امروزه جانبداری از محیط زیست؛ به منزله جانبداری و مهم بودن سلامت جامعه است، یک نوع توانایی اجتماعی برای با اهمیت جلوه دادن آینده و سلامت جامعه است. چرا که سلامتی شرط ضروری برای ایفای نقش‌های اجتماعی از جمله حفظ محیط زیست است و انسان‌ها در صورتی می‌توانند فعالیت کامل داشته باشند که هم خود را سالم احساس کنند و هم جامعه آنها را سالم بدانند. مقوله هسته (مرکزی)

آخرین مرحله کدگذاری مرحله کدگذاری گزینشی است که در آن کدهای به دست آمده در مرحله کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. هدف از این کار، یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌های کسب شده در مرحله کدگذاری محوری است. در این مرحله است که شکل‌گیری و پیوند هر مقوله با سایر مقوله‌ها شرح داده می‌شود و مقوله هسته نهایی به دست آمده که کل مفاهیم و مقوله‌ها را در بر می‌گیرد. با ترکیب یازده مقوله اصلی پژوهش (پشتیبانی فکری، ارزش محوری، جدی گرفتن، تصمیمات هماهنگ بالادستی، دانشگرایی زیست‌محیطی، تفاهیم دولتی و خصوصی، مدیریت سبز، قوانین کارآمد، محیط فرهنگی، توسعه فرهنگ زیست محیطی، امنیت ملی و سیاست خارجی، افزایش سلامت اجتماعی)، مقوله هسته نهایی در مرحله کدگذاری گزینشی ظهور کرد. با توجه به مقولات عمده و توضیحات فوق می‌توان گفت که مقوله؛ «برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی به علت تصمیمات هماهنگ بالادستی و تفاهم دولتی و خصوصی در بستر جدی گرفتن دانش و ارزش زیست‌محیطی با استفاده از راهبردهای فکری- قانونی و سبز به پیامدهای امنیت سیاسی و ملی و توسعه فرهنگ زیست محیطی همراه با سلامت اجتماعی منجر می‌شوند» می‌تواند همه مباحث خبرگان، نخبگان سیاست‌گذاری و متخصصان امر محیط زیست را راجع به اجرا و پیامدهای سیاست‌های زیست‌محیطی برنامه اول تا ششم توسعه بعد انقلاب اسلامی و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی در ایران را تحت پوشش قرار دهد و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. بر اساس مقوله هسته نهایی که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقولات عمده ارایه شده است، خبرگان، نخبگان سیاست‌گذاری و متخصصان امر محیط زیست در تجربه زیست خود شرایط علی، بستر و پیامدهای برنامه‌ها و سیاست‌های زیست‌محیطی برنامه اول تا ششم توسعه بعد انقلاب اسلامی و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی در ایران را تجربه، درک و یا تصور می‌کنند. آنها در شرایط و بستر تعاملی خاصی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی کشور را تبیین کرده‌اند که اگر این شرایط در هر جا مهیا شود، انتظار موفقیت آمیز بودن برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، انتظار

معقولی خواهد بود. همانطور که از متن مصاحبه‌ها مشخص است، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری زیست محیطی کشور برای آینده محیط زیست کشور بسیار مهم و حیاتی است و اگر موفقیت‌هایی در این زمینه صورت نگیرد بدون شک آینده محیط زیست کشور با چالش‌های بسیار عمیق‌تر از آنچه الان وجود دارد، دست و پنجه نرم می‌کند.



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهشی، ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهش

امروزه اکثر کشورهای توسعه یافته برای ایجاد محیط زیستی سالم در عرصه ملی و جهانی، تمایلی جدی برای مشارکت نشان داده‌اند و در برخی کشورهای دیگر نیز محیط زیست فدای رشد اقتصادی لجام گسیخته قرار گرفته است. در همین راستا به منظور حفظ از محیط زیست، دولت‌ها و موسسات فراملی و بین‌المللی برنامه‌هایی در قالب سند‌های چشم‌انداز و خط‌مشی‌هایی جهانشمول تدوین نموده‌اند. سیاست زیست محیطی یا خط‌مشی زیست محیطی، به تعهدات در خصوص مسائل زیست محیطی با سازماندهی قوانین، مقررات، خط‌مشی‌ها و سایر سازوکارهای سیاسی اطلاق می‌شود. این مسائل عموماً شامل آلودگی هوا و آب، مدیریت پسماند، مدیریت اکوسیستم، حفظ تنوع زیستی، حفاظت از منابع طبیعی، حیات وحش و گونه‌های در معرض خطر است. سیاست‌های مربوط به بخش انرژی، یا تنظیم سموم از جمله آفت‌کش‌ها و بسیاری از انواع زباله‌های صنعتی، بخشی از چالش‌های سیاست‌های زیست محیطی را به خود اختصاص می‌دهند. این سیاست‌ها می‌توانند با نظارت بر فعالیت‌های انسانی، از اثرات مضر آن بر محیط بیوفیزیکی و منابع طبیعی، همچنین از تغییرات محیط زیست و اثرات مضر آن بر زندگی انسان‌ها جلوگیری نمایند. همچنین برنامه‌ها و سیاست‌های زیست محیطی زمانی می‌توانند بر مشکلات زیست محیطی چیره شوند، که در فرایند برنامه‌ریزی‌های توسعه قرار گرفته و در تعامل تنگاتنگ و متوازن با سایر بخش‌ها ملاحظه و اجرا شوند. از طرفی دیگر رشد و توسعه پایدار فعالیت‌های بشر، متاثر از میزان پایداری در سیستم‌های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی است. امروزه برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از منابع برای نیل به توسعه پایدار، به عنوان

یکی از مهمترین مسائل اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی بشر تبدیل شده است. در همین ارتباط بسیاری از کشورهای توسعه یافته در مساله محیط زیست رویکردی پایدار و متناسب با شرایط اجتماعی خود بر اعمال کرده و در عمل نیز عملاً به سیاست‌های تدوین شده خود پایبند هستند، اما برخی دیگر از کشورها که از درجه توسعه یافتگی پایبندی برخوردارند، این مسئله همچنان با چالش‌هایی مانند بهره‌گیری از متخصصان علوم اجتماعی، نخبگان سیاستگذاری و متخصصان امر محیط زیست در زمینه محیط زیست روبروست. چرا که نگاه پروژه‌های زیست محیطی در بسیاری از کشورها به ویژه در ایران عمدتاً اقتصادی بوده و غالب سیاست‌گذاری‌ها نه با برنامه‌های جامعه‌شناسان و مدیران اجتماعی؛ بلکه با برنامه‌های هزینه-فایده اقتصادی دنبال شده‌اند و نگاه اقتصاد رفتاری بر این حوزه مسلط بوده است. بنابراین در حوزه محیط زیست، اقتصاد رفتاری می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی تاثیرگذار باشد و اکثریت تحقیقات اقتصاد رفتاری در سیاست‌گذاری زیست محیطی در حال حاضر بر قیمت‌گذاری غیربازاری تمرکز دارد و مهم‌ترین بینش در اینجا مربوط به ارزیابی اقتصادی ریسک و سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی است که هزینه‌ها و فایده‌های آنها در آینده دور اتفاق می‌افتد.

همچنین نبود نگاه اجتماعی و فرهنگی به سیاست‌های زیست محیطی در تصویب سیاست‌گذاری‌ها، راهبردها و قوانین و مقررات در این حوزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ که این مهم هنوز هم در بسیاری از موارد با چالش‌های جدی روبروست، چرا که بسیاری از سیاست‌ها و قوانین لازم به لحاظ فرهنگی و اجتماعی جامعیت نداشته و در نتیجه، ساختارها و سازوکارهای لازم برای فعالیت در این عرصه وجود ندارد. در همین ارتباط مطالعات رویکردهای نظری موجود در حوزه محیط زیست نشان داده که برداشت مجموعه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری کشور از محیط زیست، برداشتی فنی و تکنولوژیک است. حتی با مروری بر اسناد بالادستی و حتی جدیدترین سند توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران؛ یعنی نقشه جامع علمی کشور، نیز نشانگر حضور پررنگ این نگاه فنی و تکنولوژیک به محیط زیست است و در کلیت این ره‌نگاشت مقوله علم و فناوری مهمترین زیرساخت توسعه کشور در نظر گرفته شده که در آن به ارزش‌های بنیادین نقشه جامع علمی کشور یا به نوعی سیاست‌های کلان آن اشاره می‌کند که بر اساس آن علم و فناوری کمال آفرین، توانمندساز، ثروت آفرین و هماهنگ با محیط زیست و سلامت معنوی و جسمی و روانی و اجتماعی آحاد جامعه در نظر گرفته شده است. با همه این مباحث و با وجود تمام کاستی‌ها و نامنسجمی‌ها در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی کشور وجود دارد، اما بازهم برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشور مستلزم تحلیل علمی بیشتری برای حصول نتیجه مطلوب است. در واقع نگاه اجتماعی و فرهنگی به مسایل محیط زیستی در آغاز راه است و هرچند سیاستمداران و مدیران به این مهم پی برده‌اند، اما ورود مشخص کارشناسان و متخصصان علوم اجتماعی به نهادهای مهمی چون سازمان حفاظت از محیط زیست، وزارت نیرو، وزارت راه، مسکن و شهرسازی و حتی وزارت صنعت، معدن و تجارت بسیار ضروری و مهم است، که در این خصوص همکاری مشترک دانشگاه و مراکز آموزشی با سازمان‌های نامبرده جهت تربیت نیروی متخصص و کارآمد، بدیهی به نظر می‌رسد.

همچنین با نگاهی بر برنامه‌های عمرانی و توسعه در کشور می‌توان شاهد بود که در تشویق و حفظ محیط زیست، نقش دولت در قبل و بعد از انقلاب اسلامی به جای ترویج رقابت، کارایی و حفاظت از طریق ساز و کار بازار،

دستور و نظارت مستقیم بوده است. در این باره ضعف برنامه‌های اجرایی، نبود آگاهی عمومی و شانه خالی کردن افراد و کارخانه‌ها از سیاست‌ها و قوانین، قرار گرفتن اولویت‌های تخصیص بودجه‌های سالانه در عرصه‌های دیگری به غیر از محیط زیست باعث ناتوانی سیاست‌های کنترل محیط زیست در ایران شده است. بنابراین سیاست‌گذاری های زیست محیطی در کشور نه تنها دغدغه همگانی در بعد کلان نبوده؛ بلکه عموماً مانند یک موضوع فانزری با آن رفتار شده است. اما در مقابل در کشورهای توسعه یافته غالب سیاست های زیست محیطی دارای پختگی خاصی در عمل و اجرا بوده‌اند. پیشرفت‌های زیست محیطی کشورهای توسعه یافته محل تفکری است که در آن برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی با کمترین چالش مواجه بوده‌اند. چرا که عموماً در این کشورها فرهنگ زیست محیطی به عنوان نیاز اساسی برای افراد و حتی آیندگان پایه ریزی شده است. همچنین در بیشتر کشورهای جهان حق محیط زیست یکی از مصادیق چهارگانه حقوق همبستگی است که در کنار سایر حقوق شهروندی و حتی پیشرو تر از آنان حکومت‌های مختلف اعم از توسعه یافته و در حال توسعه را به تحلیل و تفحص در باب خود، با عناوینی مثل حقوق ملی و بین‌المللی محیط زیست واداشته و ضرورت توجه به این حق مسلم بشری و اعمال قوانین نظارتی در راستای اجرای آن، میزان توسعه یافتگی کشورها در این حوزه را مشخص می‌کند. ضرورت پرداختن به سیاست‌های زیست محیطی در عرصه ملی و فراملی به گونه ای است که دیگر مسائل و مشکلات محیط زیستی یک مساله کلی و فراگیر است و حتی تغییرات و خطرات زیست محیطی وارد زندگی مردم عادی هم شده است. بر این اساس، کشور ایران نیز به عنوان بخشی از این گستره جهانی در محیط زیست خود دارای مشکلات متعددی چون آلودگی آب و هوا، جنگل‌زدایی، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و از بین بردن تنوع زیستی و انقراض گونه‌های مختلف حیوانی و گیاهی، مشکلات مربوط به مواد زاید جامد و پساب‌ها و... است که هرچند برخی از آنها معلول فرآیندهای جهانی است، اما بخشی هم بر اثر سیاست‌گذاری‌ها و عدم برنامه‌ریزی است که باید با سیاست‌گذاری دقیق و مستمر در سطح ملی و بین‌المللی در راستای رفع آن گام برداشت.

تحقیقات گسترده‌ای در ارتباط با اجرای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی در داخل و خارج استفاده است که اتکا به یک رویکرد نظری نمی‌تواند صرفاً نسخه قابل حل برای بحران‌های زیست‌محیطی در کشورها باشد. بنابراین بر مبنای فرهنگ‌های بومی و فهم محلی از محیط زیست لازم است تا تحقیقاتی در همین زمینه بر پایه دانش بومی و فهم محلی از سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی انجام شود. بر همین اساس باید گفت که غالب رویکردهای نظری موجود برای تبیین فرهنگ زیست محیطی و برنامه‌ها و سیاست‌های زیست محیطی رویکردهایی پویا هستند. محیط زیست در کشورهای توسعه یافته نه یک مساله فردی، بلکه یک برنامه منسجم همگانی است که حتی سهم آیندگان نیز در آن لحاظ می‌شود. اما در همه کشورها اوضاع به یک شکل نیست و امروزه بسیاری از کشورهای جهان با مسایل زیست محیطی دست و پنجه نرم می‌کنند. همانطور که در جای جای این پژوهش اشاره شده، شاخص‌های جهانی وضعیت محیط زیست و نمودهای عینی آن در زندگی مردم ایران نشان می‌دهد که محیط زیست کشور وضعیت مطلوبی ندارد. همچنین تحولات زیست محیطی در سطح بین‌المللی از یک سو و گسترش فرایندهای تخریب محیط زیست در کشور به مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه باعث شده است، موضوع حفاظت از محیط زیست بیش از گذشته در کانون توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور قرار گیرد؛ به طوری که در بخشی از ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ به

برخورداری آحاد مختلف جامعه از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد خانواده به دور از فقر و فساد بهره‌مند از محیط زیست مطلوب تاکید شده است و از آن به عنوان بارزترین مصادیق منفعت همگانی یاد شده است. لازم به ذکر است که حفظ محیط زیست در ایران ارتباط مستقیمی با برنامه‌ها و سیاست‌های زیست محیطی و پیامدهای سیاسی و اجتماعی از برنامه اول تا ششم توسعه دارد و اگر این سیاست‌گذاری‌ها در اجرا با مشکل مواجه شوند، عملاً محیط زیست دچار آسیب جدی خواهد شد. هرچند در ادبیات نظری و ادبیات پژوهش‌های انجام شده سیاست‌گذاری زیست محیطی به نقش جدی دولت در اجرای سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی توجه زیادی شده است، اما مشارکت‌های فکری و ارزشی دیدن، تصمیمات هماهنگ بالادستی بر پایه تفاهم دولتی و خصوصی بر اجرای کامل این سیاست‌ها و برنامه‌های زیست محیطی اثر دارند و باید عنوان کرد که سیاست‌ها و برنامه‌های زیست محیطی تدوین شده در حوزه محیط زیست از برنامه اول تا ششم توسعه و به ویژه سیاست‌های کلی محیط زیست که توسط مقام معظم رهبری در راستای ایجاد نظام یکپارچه ملی محیط زیست، مدیریت هماهنگ و نظام‌مند منابع حیاتی، جرم‌انگاری تخریب محیط زیست، تهیه اطلس زیست‌بوم کشور، تقویت دیپلماسی محیط زیست، گسترش اقتصاد سبز و نهادینه‌سازی فرهنگ و اخلاق زیست محیطی به سران سه قوه ابلاغ شده است، فی نفسه مطلوب و کارآمد تدوین شده‌اند، اما نیاز به اجرای کامل این سیاست‌ها و برنامه‌ها یک اصل اساسی است که باید با اتکا به توان مدیریتی مدیران و متخصصان این حوزه موانع اجرای این سیاست‌گذاری‌ها شناسایی و رفع شود. همچنین با توجه به تاکیدات مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر در خصوص محیط زیست امید است با همراه‌سازی مردم در این باره موفقیت‌های روزافزونی برای کشور حاصل شود.

پیشنهادات:

تشکیل قرارگاه زیست محیطی با هدف جستجو و تحقیق در مورد میزان درصد اجرای برنامه‌های توسعه کشور در قسمت محیط زیست.

ارائه و پیشنهاد راه‌حلهای کوتاه مدت و میان مدت در کنار داشتن برنامه‌های بلند مدت زیست محیطی.

توقف فوری پروژه‌های عمرانی که تخریب محیط زیست آنها توسط فعالان و کارشناسان محیط زیست هشدار داده شده است مانند توقف برخی از پروژه‌های انتقال آب و برخی سد سازی‌ها.

حکم رانی محیط زیست در تمام پروژه‌های ملی اجرا شود.

به کارگیری تکنولوژی روز در رفع بحران‌های زیست محیطی مانند آب شیرین کن‌های صنعتی و تصفیه‌های مدرن فاضلاب و افزایش دستگاه‌های پسماند.

آموزش مستمر در تمام سطوح جامعه برای اولویت دادن امر محیط زیست.

منابع

افضل خانی، مریم. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر آموزش‌های زیست محیطی بر نگرش و رفتار دانش‌آموزان نسبت به مساله حفاظت از محیط زیست در شهرستان گرمسار، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، سال دهم،

- جعفری نیا، غلامرضا. (۱۳۹۱). عوامل موثر بر فرهنگ زیست محیطی، پایان نامه دکترا دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
- حیدری، رنجبر و جمشیدی، ابراهیم. (۱۳۹۵). بررسی مفهوم امنیت زیست محیطی با نگاهی به چالش های امنیت زیست محیطی ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲۱
- دادیانی، علی، سلیمان پور، فریبا. (۱۳۹۸). رابطه بین رفتار محیط زیستی یا میزان تفکر سیستمی و مسئولیت پذیری اجتماعی (مورد مطالعه: کارکنان محیط زیست خراسان شمالی)، فصلنامه علمی، آموزشی محیط زیست و توسعه پایدار، سال هفتم، شماره ۳
- زهره وندی، حسن، خورشید دوستعلی، محمد و ساری صراف، بهروز. (۱۳۹۹). چشم انداز تغییرات اقلیمی در غرب ایران بر اساس سناریو های واداشت تابشی و ریز مغیاس گردانی مدا آماری SDSM، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا(برنامه ریزی منطقه ای)، سال یازدهم، شماره ۵
- ساتن، فیلیپ. (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه شناسی محیط زیست، ترجمه: صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت
- شبییری، محمد. (۱۳۹۶). بررسی نقش سبک های تفکر در نگرش و رفتار محیط زیستی دانش آموزان دبیرستانی، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۳۳، شماره ۱۳۰
- صالحی، صادق، فیروز جانیان، علی اصغر و غلامرضازاده، فاطمه. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان زیست محیطی برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۱
- فروتن کیا، شهروز و نواح، عبدالرضا. (۱۳۹۵). جامعه شناسی محیط زیست، تهران: انتشارات جامعه شناسان
- فرهادی، سعید و رزمی، مریم. (۱۳۹۶). کنوانسیون های بین المللی محیط زیست، تهران: موسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران
- فرهادی، علی اصغر، عطا زاده، سعید و قیوم زاده، محمود. (۱۳۹۸). بررسی راهکارهای کیفی و غیر کیفی حکایت و حفاظت از محیط زیست، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا(برنامه ریزی منطقه ای)، سال دهم شماره ۳
- فرخی، مهرداد. (۱۳۹۵). نقش عوامل زیست محیطی در سلامت و رفاه اجتماعی (شاخص های رفاه زیست محیطی)، همایش کشوری سبک زندگی سالم(دانشگاه علوم پزشکی گیلان)
- کشاوری، اله مراد، میر عباسی، سید باقر و کامرانی، احسان. (۱۴۰۰). نقش حقوق بین الملل در توسعه پایدار محیط زیست، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا(برنامه ریزی منطقه ای)، سال یازدهم، شماره ۳
- گلدانی، مهدی و امامی میبدی، علی. (۱۳۹۴). نقش محیط زیست در برنامه های پنج ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۸۲
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۴). سیاست های مقابله با تغییرات آب و هوا، ترجمه: صادق صالحی، شعبان محمدی، تهران: انتشارات آگه
- معطوفی، علیرضا، دنکوب، مرتضی. (۱۳۹۶). اولویت بندی عوامل موثر بر تدوین خط مشی های زیست محیطی کشور با استفاده از روش ANP، مجلس و راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۹۰
- ملکی، طیبه و تاجری مقدم، مریم. (۱۳۹۶). بررسی تحلیلی جایگاه منابع طبیعی و محیط زیست در برنامه های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، چهارمین کنفرانس بین المللی برنامه ریزی و مدیریت مک کین، بیل. (۱۳۸۵). پایان طبیعت، ترجمه: مهدی عباس زاده فتح آبادی، تهران: کتاب صبح

محمدی پور، سعید، اخباری، محمد و حمزه، فرهاد. (۱۳۹۸). ساختار ژئوپلیتیکی الگوی همگرایی منطقه ای خاورمیانه (مطالعات موردی: کشورهای ایران، عراق و ترکیه)، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، سال نهم، شماره ۴

محمد زاده، یوسف، قهرمانی، هادی و نظریان، علمناز. (۱۳۹۴). محیط زیست سلامت و هزینه های بخش سلامت، مدیریت اطلاعات سلامت، دوره دوازدهم، شماره ۱۴

هانینگن، جان. (۱۳۹۳). جامعه شناسی محیط زیست، ترجمه: صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت

Ahmad, N.(2017) .Effects of energy production and co2 emissions on economic growth in Iran:

ARDL approach', Energy, 123:521-537.

FoxNJ,Alldredp(2016)..Sociology, environment and health: a materialist approach Public Health, , December 2016, Pages 287-293

